

مطالعات اسلامی: علوم قرآن و حدیث، سال چهل و هشتم، شماره پیاپی ۹۶
بهار و تابستان ۱۳۹۵، ص ۸۳-۱۰۰

رویکرد روش شناختی به روایات تفسیری «قرآن با قرآن»*

دکتر علی راد

دانشیار دانشگاه تهران - پردیس فارابی

Email: ali.rad@ut.ac.ir

مسعود حسن زاده

دانشجوی دکتری دانشگاه قرآن و حدیث

Email: mhasanzade1360@yahoo.com

چکیده

یکی از شیوه‌های تفسیری اهل بیت، تفسیر درون‌متنی یا همان تفسیر قرآن با قرآن است. این شیوه که براساس تعامل و گفتگوی میان آیات صورت می‌پذیرد، در میزان قابل توجهی از روایات تفسیری اهل بیت منعکس شده است. بررسی این روایات، می‌تواند ضمن استخراج روش‌های اهل بیت، امکان بکارگیری آن‌ها را در سرتاسر قرآن فراهم نموده و دانش تفسیر را از جهت روش شناختی گامی به جلو پیش برد. بر این اساس برآنیم تا با استفاده از میراث برجای مانده از تفسیرپژوهان اسلامی و یافته‌های زبان‌شناسان به بررسی روش شناختی روایات حکایتگر تفسیر قرآن با قرآن بپردازیم. برخی روش‌های شاخص اهل بیت در این روایات عبارت‌اند از: توجه به روابط هم‌نشینی، توجه به آیات نظیر، تشکیل قیاس فرضی، توجه به میزان گستره معنایی واژگان یا عبارات، تفسیر بینامتنی، توجه به اطلاعات دایرة المعارفی گسترده و ارائه اطلاعات تاریخی - نزولی آیات در راستای تعامل آن‌ها.

کلیدواژه‌ها: تفسیر قرآن با قرآن در روایات، روابط هم‌نشینی، قیاس فرضی، گستره معنایی،

تفسیر تاریخی، اطلاعات دایرة المعارفی و تفسیر بینامتنی.

*. تاریخ وصول: ۱۳۹۲/۱۲/۱۰؛ تاریخ تصویب نهایی: ۱۳۹۵/۰۱/۲۲.

مقدمه

تعامل حداکثری با هر متنی مبتنی بر استواری آن متن و همچنین وجود توانمندی‌هایی در طرف خواننده‌ی آن، جهت دستیابی به معانی عمیق متن می‌باشد. بر این اساس تعامل حداکثری با قرآن که در نگاه برخی قرآن‌پژوهان «ترکیبی از زبان‌های عرفی، ادبی، علمی، چند ساحتی، چند لایه و گاه رمزی، کنایی، مجازی، اخباری، انشایی و تمثیلی» است (رضایی اصفهانی، ۱۶۶) توانمندی ویژه‌ای را می‌طلبد. این توانمندی در حد اعلای خود در اهل بیت عصمت تبلور یافته است، از این‌رو بررسی نحوه‌ی تعامل ایشان با قرآن از جمله بایسته‌های پژوهش‌های تفسیری است؛ یکی از راه‌کارهای اهل بیت در جهت نمایاندن معانی قرآن، تفسیر درون متنی یا همان تفسیر قرآن با قرآن است. این شیوه از جایگاه ممتازی در میان روش‌های تفسیری برخوردار بوده و پیشینه‌ی آن به روایات پیامبر و اهل بیت باز می‌گردد. روایات قابل توجهی را می‌توان یافت که ایشان براساس تعامل و گفتگوی میان آیات، به تفسیر قرآن مبادرت ورزیده و در راستای رهیافت مخاطبان به معانی عمیق قرآن به معنائشناسی واژگان و عبارات قرآنی پرداخته‌اند. به رغم پیشینه و اهمیت تفسیر قرآن با قرآن و نیز جایگاه ویژه اهل بیت، روایات حکایتگر تفسیر قرآن با قرآن، تا کنون از حیث روشی مورد بازکاوی جدی و گسترده قرار نگرفته است و این در حالی است که کشف روش‌های تفسیری معصومان از این روایات و الگوی روشی به دست آمده از آن، می‌تواند شیوه‌ی برداشت روشمند از آیات الهی را فرا روی ما قرار دهد. همچنین این امر پیش‌برد دیگر علوم اسلامی را که در صدد بهره‌مندی از آموزه‌های وحیانی هستند در پی خواهد داشت. در این مقاله برآنیم برخی روش‌های شاخص اهل بیت را که در روایات حکایتگر تفسیر قرآن با قرآن منعکس شده، ارائه نماییم. در ساختار پژوهش، ابتدا به چهار روش روابط هم‌نشینی، ارتباط بینامتنی، توجه به آیات نظیر و قیاس فرضی پرداخته‌ایم و سپس روش‌های توجه به اطلاعات دایره‌المعارفی، اطلاعات تاریخی و مولفه‌های معنایی که در آن غیر از علم به روش، به اطلاعات بیرونی دیگری هم نیاز است را بیان کرده‌ایم.

روابط هم‌نشینی^۱

در هم‌نشینی این بحث مطرح می‌شود که واژه‌ی به کار رفته در جمله در ترکیب با کدام واژگان ارائه شده است؟ چراکه واژه‌هایی که در یک جمله و در یک محور افقی^۱ به هم پیوند

1. syntagmatic relations.

می‌خورند از لحاظ قرار گرفتن در کنار هم، محدودیت‌گزینشی دارند؛ (مشکاة الدینی، ۸۷؛ صفوی، ۲۰۰) بدین معنا که نمی‌توان هر واژه‌ای را در کنار واژه‌ی دیگر نهاده و جمله‌ای را تشکیل داد؛ به طور مثال جمله‌ی «غذا او را خورد» به رغم آنکه از لحاظ دستوری صحیح بوده و متشکل از فعل، فاعل و مفعول است، جمله‌ی معنا داری نیست. چرا که غذا نمی‌تواند فاعل فعل خوردن باشد. بر این اساس تحلیل هم‌نشینی یک متن، شامل مطالعه‌ی ساختار و روابط اجزای آن است. این تحلیل در ارزیابی معنایی واژه کارآمد بوده و حکایتگر هماهنگی و تناسبی است که بین عناصر سازنده کلام وجود دارد. (رک: چندلر، ۱۲۷-۱۲۸ و ۱۳۳؛ مشکاة الدینی، ۸۷). در واقع همین هماهنگی و تناسب است که امکان هم‌نشینی و با هم‌آیی عناصر تشکیل دهنده کلام را در کنار یکدیگر فراهم می‌سازد. توجه به روابط هم‌نشینی در مواردی از روایات اهل بیت انعکاس یافته است.

امام زین العابدین فرمودند:

«از ما اطاعت کنید زیرا اطاعت ما واجب است، چرا که اطاعت ما با اطاعت خدا و رسول او هم‌نشین شده است. و خداوند عزوجل می‌فرماید: أَطِيعُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا الرَّسُولَ وَ أُولَى الْأَمْرِ مِنْكُمْ فَإِنْ تَنَازَعْتُمْ فِي شَيْءٍ فَرُدُّوهُ إِلَى اللَّهِ وَ الرَّسُولِ^۲ وَ لَوْ رَدُّوهُ إِلَى الرَّسُولِ وَ إِلَى أُولَى الْأَمْرِ مِنْهُمْ لَعَلِمَهُ الَّذِينَ يَسْتَنْبِطُونَهُ مِنْهُمْ وَ لَوْ لَا فَضْلُ اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَ رَحْمَتُهُ لَاتَّبَعْتُمُ الشَّيْطَانَ إِلَّا قَلِيلًا^۳» (حویزی، ۱/ ۵۰۸-۵۰۹؛ برای آگاهی از نمونه دیگر رک: حویزی، ۵/ ۴۴۴، ح ۵۹) در آیه نساء/۵۹ «اولی الامر» به «الله» و «رسول» عطف شده و هم‌نشین آن‌ها گشته است. خداوند در عبارت پردازی تعدادی از آیات قرآن - همچون نساء/۸۳ - در این روایت ذکر شده است - مواردی از این هم‌نشینی و باهم‌آیی را تکرار نموده است (رک: حویزی، ۱/ ۵۰۷ - ۵۰۸، ح ۳۶۰). درباره‌ی واژه اولی الامر که در روایت مورد بحث بدان پرداخته شده است، دو مساله قابل طرح است؛ ویژگی‌های «اولی الامر» و مصادیق آن.

در این روایت، امام (ع) اولی الامر بودن خویش را مسلم تلقی نموده و سخنی از آن به میان نیاورده است، بلکه مبتنی بر آن اطاعت خویش را خواستار است. اما تعلیل وارده در روایت -

۱. علاوه بر این محور افقی، محور عمودی نیز وجود دارد که از آن به جانشینی تعبیر می‌شود. برای اطلاعات بیشتر رک: چندلر، ۱۲۷ و ۱۵۴؛ صفوی، ۱۹۸.

۲. نساء/ ۵۹: «خدا را اطاعت کنید و پیامبر خدا را اطاعت کنید و اولی الامر را و هر گاه در امری نزاع داشتید، آن را به خدا و پیامبر ارجاع دهید.»

۳. نساء/ ۸۳: «حال آنکه اگر در آن امر به پیامبر و اولی الامرشان رجوع می‌کردند، حقیقت را از آنان درمی‌یافتند. و اگر فضل و رحمت خدا نبود، جز اندکی، همگان از شیطان پیروی می‌کردید.»

إذ كانت بطاعة الله و رسوله مقرونة - ضمن توجه دادن به قرین و هم‌نشین بودن واژه «اولی الامر» با «الله» و «رسول» در آیات مذکور، به بحث کبروی و ویژگی‌های اولی الامر اشاره دارد؛ بدین معنا که واژه اولی الامر بعلت هم‌نشینی، متناسب با واژگان «الله» و «رسول» بوده و در برخی از ویژگی‌های بنیادین آن دو - هر چند در مراتب نازل‌تر آن - مشترک است. برخی از این ویژگی‌ها عبارت‌اند از عصمت (رک: طبرسی، ۱/ ۲۱۵) علم، هدایت‌گری و مواردی از این قبیل. (رک: عیاشی، ۱/ ۲۵۲، ح ۱۷۳). این ویژگی‌های مشترک موجب می‌شود این واژگان در یک حوزه‌ی معنایی قرار گیرند. حضرت با ارائه این تعلیل دایره‌ی اولی الامر را به کسانی که واجد این ویژگی‌ها هستند محدود نموده و به طور ضمنی اولی الامر بودن سایرین - همچون معاویه و نظایر آن - را نفی می‌نماید. بدینگونه روشن می‌گردد فعل اطاعت نیز متناسب با اطاعتی است که در مورد «الله» و «رسول» مطرح می‌شود.

بر این اساس برخی نظرات اهل سنت پیرامون اولی الامر صحیح و تمام نیست و معانی و مصادیق عنوان شده از جانب ایشان (رک: آلوسی، ۳/ ۶۳-۶۴؛ مکارم شیرازی و همکاران، ۳/ ۴۳۶ - ۴۳۷) با واژگان هم‌نشین «اولی الامر» سازگاری و تناسب ندارد. در واقع یکی از ویژگی‌های ممتاز قواعد زبان‌شناسی، این است که امکان تعامل و گفتگوی بین ادیان و مذاهب بر پایه مبانی مشترک و بدور از تعصب فراهم می‌شود.

آیات نظیر

یکی از جنبه‌های اعجاز قرآن عبارت‌پردازی بی نظیرِ نظایر قرآنی است بگونه‌ای که توجه به آن‌ها نکات تازه‌ای از قرآن را برای مفسر آشکار می‌کند. واژه «نظیر» اشاره به گونه‌ای از تکرار است که در متن روی می‌دهد تا همگونی بخش‌های متفاوتی از متن را آشکار سازد تا از این رهگذر امکان تعامل تفسیری میان آیات فراهم گردد. این نظایر قرآنی ممکن است هر یک از سه سطح دستوری، مضمونی و روایی را شامل شوند؛ در سطح دستوری، دو عبارتِ نظیر از جهت دستور زبان همسان‌اند، مانند اینکه دو عبارت نظیر، هر دو جمله شرطیه باشند. در سطح مضمونی، محتوا و مضمون عبارات همسان‌اند و در سطح روایی، عوامل و واژگان تشکیل دهنده‌ی دو عبارت نظیر، با یکدیگر شباهت دارند. توجه به عبارات نظیر در یک متن نشان می‌دهد در پسِ تکثر مطالب آن متن، وحدتی نهفته است که انسجام آن متن را - به عنوان اصلی تفسیری - نمایان می‌سازد. (رک: قائمی‌نیا، بیولوژی نص، ۲۴۵ - ۲۶۰)

در نشانه‌شناسی بحث از نظیر، مرتبط با بحث موضوع مطرح می‌شود؛ خواننده یا مفسر جهت تعامل با متن از زاویه‌ای خاص وارد می‌شود. «ورودی و مسیری که خواننده یا مفسر از آن در متن پیش می‌رود، موضوع نام دارد. متن نیز در مقابل این ورودی و مسیر خواننده، واکنش نشان می‌دهد. ممکن است متن، این ورودی و خط سیر خواننده را جایز بداند و یا اینکه روی خوشی به آن نشان ندهد. نظیر، پاسخی است که متن به مسیر و نحوه حرکت خواننده می‌دهد و آن را تأیید می‌کند.» (قائمی‌نیا، بیولوژی نص، ۱۹۱ و ۲۶۰) بر این اساس نظیر، کارکردی تأییدگرا دارد. بدین معنا که مسیرهای متفاوت اما موازی و مناسب با خط سیر خواننده را نشان داده و حرکات و تعاملات تفسیری او را تأیید و در صورت انحراف نفی می‌کند. بدین‌گونه نوعی داوری را در مورد نحوه فعالیت تفسیری مفسر امکان‌پذیر می‌سازد. آیات نظیر در روایات حکایتگر تفسیر قرآن با قرآن از جایگاه ویژه‌ای برخوردارند بگونه‌ای که ائمه در بیشتر موارد از نظایر قرآنی جهت تفسیر آیات بهره برده‌اند؛

در عیون الاخبار الرضا آمده است:

«علما به امام رضا (ع) عرض کردند: آیا خداوند برگزیدگان را در قرآن تبیین نموده است؟ امام رضا فرمود: خداوند برگزیدگان را افزون بر باطن، در دوازده جایگاه از ظاهر قرآن تبیین نموده است ... ششمین جایگاه آن آیه‌ی قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى است که از ویژگی‌های اختصاصی نبی اکرم و آل اوست. این مطلب از آن روست که خداوند در یادکرد از نوح و هود نبی در قرآن می‌فرماید: يَا قَوْمِ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مَالًا إِنْ أُجْرِي إِلَّا عَلَى اللَّهِ وَمَا أَنَا بِطَارِدِ الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّهُمْ مُلَاقُوا رَبِّهِمْ وَلَكِنِّي أَرَاكُمْ قَوْمًا تَجْهَلُونَ^۱ و لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِنْ أُجْرِي إِلَّا عَلَى الَّذِي فَطَرَنِي أَفَلَا تَعْقِلُونَ^۲ و در مورد پیامبرش [حضرت] محمد فرمود: قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى^۳ ... سپس امام فرمودند: خداوند پس از مبعوث نمودن هر یک از انبیا، به ایشان وحی کرد که از قوم خود اجری نطلبند چرا که خداوند خود عهده‌دار اجر انبیا شده است. اما در مورد پیامبر، اطاعت و مودت قربا و خویشانش را واجب گردانید تا

۱. شوری/ ۲۳: «بگو من در برابر رسالتم مزدی نمی‌طلبم، جز مودت به خویشاوندانم.»

۲. هود/ ۲۹: «ای قوم من، بر ابلاغ این رسالت از شما مالی درخواست نمی‌کنم، مزد من جز بر عهده خداوند نیست، و من هرگز طردکننده کسانی که ایمان آورده‌اند نخواهم بود، زیرا آنان دیدارکننده پروردگار خویش‌اند و لکن شما را گروهی می‌بینم که جهالت می‌ورزید.»

۳. هود/ ۵۱: «ای قوم من، از شما بر ابلاغ رسالت مزدی نمی‌طلبم، پاداش من جز بر عهده کسی که مرا آفریده نیست، آیا نمی‌اندیشید؟»

۴. شوری/ ۲۳: «بگو از شما در مقابل این ابلاغ رسالت خود جز محبت درباره خویشاوندانم مزدی نمی‌طلبم.»

با شناخت فضل آن‌ها، نسبت به آن‌ها مودت بورزند. چرا که جایگاه ایشان در حفاظت از [دین] رسول خدا همچون جایگاه چشم در سر است...» (حویزی، ۱۳۱/۵)

در روایت مذکور از امام رضا درباره‌ی وجود «برگزیدگان در قرآن» سوال می‌شود. امام رضا در پاسخ به آن‌ها آیه «قُلْ لَا أَسْئَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى» را یادآوری می‌کند و در ادامه برخی از آیاتی را که از جهت روایی با آیه مذکور نظیر محسوب می‌شود، ارائه می‌نماید: «یا قَوْمِ لَا أَسْئَلُكُمْ عَلَيْهِ مَالًا إِنْ أُجْرِي إِلَّا عَلَى اللَّهِ»، «لَا أَسْئَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِنْ أُجْرِي إِلَّا عَلَى الَّذِي فَطَرَنِي أَفَلَا تَعْقِلُونَ». در واقع خداوند در قرآن کریم، آیاتی که بیانگر آن است که انبیا در مقابل رسالت خویش اجری مطالبه نمی‌کنند را با عباراتی نظیر هم ذکر کرده است. در قرآن این تعابیر نظیر، از عده‌ای از انبیا از قبیل نوح، هود، صالح، لوط و شعیب حکایت شده (طباطبایی، ۱۸/۴۲) و سنت خداوند درباره‌ی رسولانش تبیین گشته است. (صادقی تهرانی، ۲۶/۱۷۴) عبارت پردازی همین سنت درباره رسول اکرم بدینگونه است که به پیامبر امر می‌کند که اینچنین بگوید: «قُلْ لَا أَسْئَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى». مضمون این جمله با عبارات نظیر خود که درباره‌ی سایر انبیا حکایت شده، تفاوت دارد چرا که در قبال رسالت، «مودت فی القربی» را به عنوان اجر مطالبه می‌کند. اینکه خداوند فقط در این مورد، مطلبی را متفاوت با سایر آیات نظیر خود ارائه نموده است، بیانگر آن است که مطلبی ویژه را اراده نموده است: «برگزیده بودن قربی».

امام رضا (ع) با استفاده از گردآوری آیات نظیر، عنایت ویژه‌ی خداوند به ذوی القربی را برجسته و تبیین نموده است. در واقع این آیات نظیر، فضایی را فراهم می‌سازد تا دلالت آیه بر مدعا به وضوح هر چه تمام، روشن گردد. در تفاسیر قرآن با قرآن امامیه نیز از گردآوری کلیه آیات نظیر این مطلب آشکار می‌شود که این آیه منافاتی با سنت الهی درباره‌ی اجر رسالت پیامبران ندارد و مودتی که اجر رسالت فرض شده، چیزی غیر از دعوت دینی و بقای آن نبوده، (طباطبایی، ۱۸/۴۷) بلکه مسیری است به سوی پروردگار و دروازه‌ای جهت ورود به شهر علم پیامبر که منافعی نصیب خود سالکان این مسیر می‌شود. (صادقی تهرانی، ۲۶/۱۷۵) در واقع خداوند در این آیه سنت خود را نقض نکرده بلکه با عبارت پردازی ویژه‌ای مودت و محبت را وسیله‌ای قرار داده تا مردم را به اهل بیت ارجاع داده و ایشان را مرجع علمی مردم قرار دهد. (طباطبایی، ۱۸/۴۶) بدین سبب روشن می‌گردد که اشکال برخی مبنی بر اینکه اگر مراد از قربی، اهل بیت پیامبر باشد، مقام نبوت - به خاطر اینکه دین خدا را وسیله تأمین آتیه و

معاش فرزندان و خویشان خود کرده - در معرض تهمت قرار می‌گیرد (آلوسی، ۳۳/۲۵) وارد نیست. (رک: طباطبایی، ۴۷/۱۸)

قیاس فرضی^۵

گونه‌ای از استنتاجات قرآنی که مبتنی بر استفاده از اطلاعات و معانی معلوم جهت رسیدن به معانی مجهول است، قیاس فرضی نام دارد و در جایی بکار می‌رود که با پیشامدی غیرعادی در متن مواجه می‌شویم و برای تبیین آن فرضی را حدس می‌زنیم. در این عمل، ساده‌ترین، کارآمدترین و طبیعی‌ترین فرضیه انتخاب می‌شود. در واقع اصطیاد فرضیه‌های پُرَتوان از یک بخش متن و بکار گرفتن آن‌ها در بخش‌های دیگر متن، اساس قیاس فرضی است. خود متن هم زمینه‌ای است که خواننده در آن، فرضیه‌هایش را به بوته‌ی آزمون می‌گذارد و قدرت و ضعف آن‌ها را می‌آزماید. در واقع مفسر با بررسی آیات متوجه می‌شود که برخی از آن‌ها، قواعدی بدست می‌دهند که می‌تواند به کمک آن‌ها به تفسیر بخش‌های دیگری از قرآن بپردازد. این قواعد در خود آیات وجود دارند و خداوند به طور ضمنی، آن‌ها را در اختیار انسان قرار داده است. اینگونه معناشناسی منجر به گسترش فهم مفسر از قرآن گشته و مبتنی بر پویایی معناست (رک: قائمی‌نیا، معناشناسی شناختی قرآن، ۲۸۹-۲۹۶). در میان تفاسیر اجتهادی نیز علامه طباطبایی در المیزان، از آیاتی که نقش محوری در تفسیر دیگر آیات دارند با عنوان «غیر آیات» نام برده است. (بطور نمونه رک: طباطبایی، ۲۱۰/۱۶ و ۶۳/۱۷)

در روایات قرآن با قرآن اهل بیت می‌توان نمونه‌هایی را در این باره یافت که منطبق با این روش صورت پذیرفته است. این بدان معنا نیست که ائمه با حدس و فرض به تفسیر قرآن اقدام نموده‌اند، بلکه قرآن نزد ائمه حضور بالفعل داشته و ایشان با آگاهی از ابعاد شبکه ارتباطی آیات^۶ به تفسیر پرداخته‌اند، اما برای سایر افرادی که فاقد این ویژگی هستند چاره‌ای جز حدس و کشف فرضیه‌هایی که به نوعی ناظر به آیه‌ی مورد بحث باشد، وجود ندارد.

5. Abduction.

۶. شبکه ارتباطی یا وحدت شبکه‌ای در چند ادعا خلاصه می‌شود: کل قرآن متنی یکپارچه و مانند شبکه‌ای به هم پیوسته است. در قرآن ارتباط آیات با مسائل صدر اسلام مانع از پیوستگی آیات و وحدت آن‌ها نبوده و کل قرآن شبکه‌ای واحد است. برغم اینکه آیات قرآن از هم جدا بوده و به صورت متفرق نازل شده‌اند، این آیات در دلالت به هم پیوسته بوده و دلالت یک آیه با توجه به دیگر آیات این شبکه‌ی گسترده، نمایان می‌شود. هر آیه هر چند در ظاهر، با آیه‌ی دیگری ارتباط نمی‌یابد، اما در نظر دقیق، احتمال ارتباط آن با هر آیه‌ی دیگری وجود دارد. (قائم‌نیا، بیولوژی نص، ۱۶۱)

امام صادق (ع): «در باره آیه فَلَمَّا أَسْفُونَا انْتَقَمْنَا مِنْهُمْ^۷ فرمود: خدای تبارک و تعالی همچون ما اندوهگین نمی‌شود و خشمگین نمی‌گردد. بلکه او دوستانی را برای خود آفریده که آن‌ها اندوهگین شده و خشنود می‌گردند و ایشان مخلوقاتی‌اند که خدا ایشان را تدبیر فرموده، پس خداوند خوشنودی ایشان را خوشنودی خود و خشمشان را خشم خویش قرار داده و این به جهت آنست که ایشان را راهنمایان و دعوت‌کنندگان مردم بسوی خود گردانیده و به همین دلیل چنین بلند مرتبه شده‌اند و مقصود خدا این نیست که این اندوه و خشم بخدا می‌رسد چنان‌که به آفریدگانش می‌رسد و نیز در حدیث [قدسی] فرموده «هر که دوستی از دوستان مرا اهانت رساند مرا بجنگ خود طلبیده»^۸ و نیز فرموده مَنْ يَطِيعِ الرَّسُولَ فَقَدْ أَطَاعَ اللَّهَ^۹ و نیز فرموده إِنَّ الَّذِينَ يَبَايِعُونَكَ إِنَّمَا يُبَايِعُونَ اللَّهَ^{۱۰} پس همه‌ی این‌ها و مانند آن بر وجهی است که برای تو ذکر کردم. و همچنین است خوشنودی و خشم خدا و هر چه که بدان شباهت داشته باشد...». (حویزی، ۴/ ۶۰۹)

«أسف» را در لغت با «حزن» و «غضب» مرتبط دانسته‌اند. (رک: العین، ۷/ ۳۱۱؛ لسان العرب، ۹/ ۵؛ مفردات فی غریب القرآن، ۱/ ۷۵؛ التحقيق فی کلمات القرآن، ۱/ ۸۵) در هر صورت خواه معنای واژه متخذ از غضب باشد یا اندوه، این بحث مطرح می‌شود که چگونه این احوال در مورد خداوند محقق می‌شود؟ چراکه تحقق صفاتی همچون خشم در مورد خداوند اگر به همان نحوی باشد که در مورد انسان مطرح است، مستلزم ایجاد تغییر در خداوند خواهد بود و این غیرعادی است که مراد آیه این باشد. تفاسیر فریقین به جنبه‌ی سلبی مطلب پرداخته و گفته‌اند که خشم خدا همچون خشم انسان نیست. امام صادق (ع) ضمن اشاره به این مطلب به جنبه‌ی ایجابی آن می‌پردازد؛ خشم خداوند همچون خشم انسان نیست، بلکه خداوند اولیایی را آفریده که مردم را بسوی خدا دعوت کرده و راهنمایی می‌کنند. خداوند رضایت ایشان را رضایت خود و خشم آن‌ها را خشم خویش قرار داده است. همچنانکه در آیه‌های «مَنْ يَطِيعِ الرَّسُولَ فَقَدْ أَطَاعَ اللَّهَ» و «إِنَّ الَّذِينَ يَبَايِعُونَكَ إِنَّمَا يُبَايِعُونَ اللَّهَ» نیز، بیعت با رسول الله را بیعت خویش پنداشته و اطاعت از او را اطاعت از خود برمی‌شمارد و در واقع تعامل با اولیا را تعامل با خود دانسته است. امام با استفاده از کدهایی که خداوند در

۷. زخرف / ۵۵: «چون ما را به خشم آوردند، از آن‌ها انتقام گرفتیم.»

۸. فیض کاشانی، ۳۷.

۹. نساء / ۸۰: «هر که از پیامبر اطاعت کند، از خدا اطاعت کرده است.»

۱۰. فتح / ۱۰: «کسانی که با تو بیعت می‌کنند تنها با خدا بیعت می‌نمایند.»

آیه ۸۰/ نسا و ۱۰/ فتح ارائه نموده است، به حرکت تفسیری خلاقانه‌ای در آیه ۵۵/ زحرف دست می‌زند که با فعالیت خداوند در ایجاد متن، مطابقت دارد. بدین ترتیب روشن می‌شود که خداوند غضب یا اندوه اولیائش را غضب و خشم خویش تلقی می‌نماید. این برداشت هر چند بر اساس معناشناسی ایستا خلاف ظاهر می‌نماید (رک: مکارم شیرازی و همکاران، ۹۰/۲۱) اما بر اساس پویایی معنا امکان‌پذیر است.

تفسیر بینامتنی

یکی از مهم‌ترین مسائل تفسیر قرآن با قرآن، نقش و کاربرد روایات تفسیری در این شیوه‌ی تفسیری است. در این راستا تفسیر بینامتنی که بیانگر ارتباط بین متون است، از ارتباط تفسیری میان متون رواییِ ناظر به تفسیر و متن قرآن سخن می‌گوید. در روش بینامتنی، استفاده از متون رواییِ ناظر به تفسیر، نه تنها تقابلی با روش قرآن با قرآن ندارد، بلکه بکارگیری اینگونه روایات، مرحله‌ای از فرایند تفسیر است که بدون انجام آن، روند تفسیر کامل نمی‌گردد. چراکه در تفسیر قرآن با قرآن که تفسیر درون‌متنی قرآن است، دلالت‌های حداقلی و اولیه قرآن آشکار می‌شود اما قابلیت‌ها و دلالت‌های حداکثری آن هویدا نمی‌شود. بعبارت دیگر در مواردی از روایات - به‌ویژه روایات حکایتگر تفسیر قرآن با قرآن - اطلاعات مندرج در روایت با آشکار نمودن برخی از دلالت‌ها و قابلیت‌های نهفته قرآن امکان تعامل تفسیری آیات با یکدیگر را فراهم می‌سازد بگونه‌ای که بدون توجه به اینگونه روایات، در مواردی ارتباطی بین آیات به نظر نمی‌رسد و در سایر موارد بر دلالت‌های اولیه و ابتدایی آیه اکتفا می‌شود. براین اساس باید گفت مفسر جهت فهم حداکثری قرآن علاوه بر تحلیل زبانی و ادبی، سیاقی و درون‌متنی، باید به تحلیل بینامتنی بپردازد؛ در میان دانش‌ها و متونی که ممکن است در مواردی با قرآن مرتبط به نظر برسد روایات تفسیری - به جهت جایگاه و دانش ویژه‌ای که معصومان دارند - زمینه‌ای را فراهم می‌سازند تا دلالت‌ها و قابلیت‌های بیشتری از قرآن آشکار گردد. این دلالت‌ها و قابلیت‌ها از آن خود متن قرآن هستند و متون روایی به آن‌ها تعیین نمی‌دهند بلکه فقط فضایی را برای آشکار شدن و به فعلیت رسیدن آن‌ها فراهم می‌کنند. توجه به این نکته ضروری است که تفسیر بینامتنی با توجه به قرآن در بافت و فضای خودش منافات ندارد و هرگز به معنای خروج از فضای خود قرآن نیست. بلکه مفسر، قرآن را با فضای خاص خودش، در فضای متون مرتبط بررسی می‌کند. در این صورت تحمیل آن متون بر قرآن پیش نمی‌آید و مفسر در

معرض تفسیر به رأی قرار نمی‌گیرد. (رک: قائمی‌نیا، بیولوژی نص، ۴۴۶ - ۴۵۱)

حسین بن بشار می‌گوید:

«از امام رضا (ع) سؤال کردم: آیا خداوند می‌داند چیزی که موجود نیست، اگر قرار بود به وجود آید، چگونه می‌بود؟ حضرت فرمودند: خداوند به همه چیز، پیش از اینکه موجود شود، داناست. خداوند می‌فرماید: **إِنَّا كُنَّا نَسْتَنْسِخُ مَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ**^{۱۱} و درباره‌ی اهل جهنم فرموده است: **وَلَوْ رُدُّوا لَعَادُوا لِمَا نُهُوا عَنْهُ وَإِنَّهُمْ لَكَاذِبُونَ**^{۱۲} پس خدا می‌دانست که اگر آنان را به زندگی دنیا بازگرداند دوباره به سراغ کارهایی که از آن نهی شده بودند، می‌رفتند. و نیز دلیل دیگر اینکه در داستان آفرینش آدم، ملائکه چنین گفتند: **أَتَجْعَلُ فِيهَا مَنْ يُفْسِدُ فِيهَا وَيَسْفِكُ الدِّمَاءَ وَنَحْنُ نُسَبِّحُ بِحَمْدِكَ وَنُقَدِّسُ لَكَ قَالَ إِنِّي أَعْلَمُ مَا لَا تَعْلَمُونَ**^{۱۳} پس همواره علم خداوند عز و جل، ازلی و پیش از [پیدایش] اشیا و آفریدن آنهاست ... اشیا را آنگونه که می‌خواستند آفریده است و پیش از خلقتشان - بهمان نحوی که می‌خواستند - به آنان علم داشته، این چنین است پروردگار ما، همواره عالم، بینا و شنوا بوده است». (حویزی، ۱/ ۵۴ - ۵۵)

امام رضا در پاسخ به فرد پرسش‌گر که از علم خداوند نسبت به موجودات خلق نشده می‌پرسد، می‌فرماید: علم خداوند سابق بر مخلوقات است. سپس سه آیه از قرآن کریم را ارائه می‌کند؛ در آیه «... **إِنِّي أَعْلَمُ مَا لَا تَعْلَمُونَ**» خداوند اظهار می‌دارد که از انسانی که هنوز خلق نشده چیزهایی می‌داند که ملائکه نمی‌دانند و این همان معنای مطابقی آیه است. همچنین لازمه آیه «**وَلَوْ رُدُّوا لَعَادُوا...**»، سابق بودن علم خدا بر مخلوقات است. اما آیه «**إِنَّا كُنَّا نَسْتَنْسِخُ...**» در بررسی ابتدایی بر «کتابت» و نسخه‌برداری از اعمال پس از انجام آنها دلالت دارد همچنان که آیه «**إِنَّا نَحْنُ نُحْيِي الْمَوْتَىٰ وَنَكْتُبُ مَا قَدَّمُوا وَآثَارَهُمْ**»^{۱۴} نیز بیانگر همین مطلب است. (رک: مکارم و همکاران، ۲۱/ ۲۷۶) این معنا نه تنها ارتباط روشنی با پاسخ امام - سابق بودن علم خدا بر مخلوقات - ندارد، بلکه خلاف آن را ثابت می‌کند.

اما پاسخ امام رضا با آشکار نمودن همگونی این آیه با دو آیه دیگر، کشف ارتباط معنایی این آیه با سوال پرسشگر را در پی دارد. در واقع روایات تفسیری اهل بیت با آشکار نمودن

۱۱. جائیه / ۲۹: «ما از آنچه شما انجام می‌دادید نسخه برمی‌داشتیم»

۱۲. أنعام / ۲۸: «و اگر بازگردند، به همان اعمالی که از آن نهی شده بودند بازمی‌گردند آن‌ها دروغ‌گویانند»

۱۳. بقره / ۳۰: «آیا کسی را می‌آفرینی که در آنجا فساد کند و خون‌ها بریزد، و حال آنکه ما به ستایش تو تسبیح می‌گوییم و تو را تقدیس می‌کنیم؟ فرمود: من آنچه راکه شما نمی‌دانید می‌دانم»

۱۴. یس: ۱۲/ «ما مردگان را زنده می‌کنیم و تمام آنچه را از پیش فرستاده‌اند و آثار آن‌ها را می‌نویسیم.»

قابلیت‌های نهان آیات، امکان تعامل تفسیری بیشتری را پیش روی مفسر می‌گشاید؛ در آیه مورد بحث، همگونی و ارتباط معنایی مذکور که از فهم ویژه امام نشات می‌گیرد، فهم ابتدایی مذکور از آیه را برغم شاهد قرآنی آن به چالش کشیده و تفسیر آیه استنساخ با آیه ۱۲/یس را که گونه‌ای از تفسیر قرآن با قرآن است بر نمی‌تابد.

اکنون به دنبال تبیین ارتباط معنایی آیه با پاسخ امام، در گامی دیگر با واکاوی روایات مرتبط با آیه استنساخ، بررسی عمیق‌تر این آیه را پیگیری می‌نماییم؛ توضیح اینکه برخی روایات بر این مطلب دلالت دارند که «نستسخ» بمعنای انتقال و نوشتن از روی نسخه اصلی است^{۱۵} به گونه‌ای که با نوشتن نسخه جدید، نسخه اصلی باقی بماند. این معنا در برخی از کتاب‌های لغت نیز انعکاس یافته است. (رک: راغب اصفهانی، ۱/ ۸۰۱) بر این اساس، آیه در صدد بیان این معنا است که ما آنچه را که شما انجام می‌دهید، در نسخه جدیدی می‌نویسیم (رک: صادقی تهرانی، ۲۶/ ۴۷۲). پیش فرض این آیه این است که می‌بایست، نسخه اصلی موجود باشد که اعمال مخلوقات در آن نوشته شده باشد و این استنساخ از روی آن نسخه اصلی انجام بگیرد. لازمی وجود نسخه‌ای که اعمال اولین تا آخرین مخلوقات در آن ذکر شده باشد، علم خداوند به مخلوقات حتی قبل از خلقت آنهاست. بر این اساس توجه به روایات تفسیری در تفسیر قرآن با قرآن از یک سو می‌تواند با آشکار نمودن دلالت‌های نهان آیات زمینه تعامل تفسیری آنها را فراهم نماید و از سویی دگر بر درستی عملکرد تفسیری مفسر نظارت و داوری نماید.

اطلاعات دایرة المعارفی^{۱۶}

اطلاعات و قابلیت‌های زیادی در سطوح مختلف قرآن نهفته است. این اطلاعات تاریخی، علمی و ... در راستای اهدافی در قرآن بکار رفته‌اند. این اطلاعات، گاهی در سطح آشکار متن،

۱۵. «عن أبي عبد الله قال سأئنه عن ن و القلم، قال: فهو الكتاب المكنون الذي منه النسخ كلها، أ و لستم عربا فكيف لا تعرفون معنى الكلام، و أحدكم يقول لصاحبه انسخ ذلك الكتاب أ و ليس إنما ينسخ من كتاب أخذ من الأصل و هو قوله: إنا كنا نستنسخ ما كنتم تعملون». (علی بن ابراهیم قمی، ۲/ ۳۸۰)

۱۶. در برخی موارد همچون روابط همنشینی، ارتباط بینامتنی و قیاس فرضی، تاکید بر روش است و به عبارتی روش‌محور است؛ مفسر با اطلاع از این روش‌ها غالبا می‌تواند در بسامد و دامنه قابل توجهی به عملیات تفسیری دست بزند اما در برخی دیگر از موارد همچون استفاده از اطلاعات دایرة المعارفی، تفسیر تاریخی و توجه به مولفه‌های معنایی، توجه به این روش‌ها اغلب به تنهایی کارآمد نیست و اطلاعات گسترده مفسر برجسته و مورد تاکید است و به عبارتی آگاهی‌محور است. چنانکه در توصیف برخی مفسران به کتابخانه‌ای متحرک یا کوهی از علم به گستره اطلاعات وی توجه شده است؛ علامه طباطبایی کوهی از علم بود. او کتابخانه‌ای متحرک بود. از این رو در ساختار پژوهش، نظر به این تفاوت‌ها ابتدا به چهار روش نخست و سپس روش‌هایی که غیر از علم به روش، به اطلاعات دیگری هم نیاز دارند پرداخته‌ایم.

و گاهی در سطح‌های ناپیدای قرآن موجودند. توانایی خواننده و مفسر در «دستیابی به ناگفته‌های متن، مبتنی بر ساختار معرفتی پیشین اوست.» (یول، ۱۱۲) بدین معنا که خواننده یا مفسر بر اساس دانسته‌های خویش، می‌تواند به این اطلاعات دست یابد. این دانسته‌ها از جهت گستردگی و تنوع، بسان دایرة المعارفی است که مفسر هنگام تعامل تفسیری با متن و بویژه دستیابی به اطلاعات نهفته آن از این دایرة المعارف بهره‌مند می‌گردد. این دایرة المعارف دانش‌های متنوعی همچون دانش زبانی، تاریخی، فلسفی و... را شامل می‌شود. از این رو در مواردی تعامل با قرآن مبتنی بر این است که خواننده و مفسر، دایرة‌المعارفی از علم را دارا باشد تا بتواند این اطلاعات و دلالت‌های نهفته‌ی کتاب را آشکار و برجسته سازد. (برای اطلاعات بیشتر در این باره رک: قائمی‌نیا، بیولوژی نص، ۱۹۶ و ۱۷۹ و ۴۶۹ و ۴۷۶ و ۵۱۳ و ۵۲۴) اطلاعات دایرة‌المعارفی به‌ویژه در تفسیر قرآن با قرآن جایگاه مهمی دارد. در روایات حکایتگر تفسیر قرآن با قرآن نیز، ائمه از دایرة‌المعارف بی‌نظیر خود در راستای تفسیر آیات بهره برده‌اند. توجه به این روایات، علاوه بر رویکرد آموزشی، کارکردی منبع‌گونه نیز دارد؛ بدین معنا که روایات مورد بحث منبع گسترده‌ای از اطلاعات دایرة‌المعارفی اهل بیت می‌باشد. این اطلاعات ارزشمند، کشف رابطه‌ی معنایی و تفسیری بین آیات استشهادی را در پی دارد. از این رو تفسیر قرآن با قرآن مشروط به کسب آگاهی‌های گسترده‌ای از سوی خواننده و مفسر می‌باشد.

ادریس بن عبدالله می‌گوید:

«تفسیر آیه‌ی ما سَلَکُمْ فِی سَفَرٍ قَالُوا لَمْ نَك مِنَ الْمُصَلِّينَ^{۱۷} را از امام صادق پرسیدم فرمود: خداوند از این آیه چنین قصد کرده است: ما از پیروان ائمه نبودیم، کسانی که خداوند بلند مرتبه درباره‌ی آنان چنین فرموده: وَ السَّابِقُونَ السَّابِقُونَ أُولَئِكَ الْمُقَرَّبُونَ^{۱۸} آیا نمی‌بینی مردم گروهی را که در مسابقه، در پی نفر اول و پایه‌پای او می‌آید مصلی می‌نامند. پس آنچه از لَمْ نَك مِنَ الْمُصَلِّينَ قصد کرده عبارت است: ما از پیروان پیش‌روان نبودیم.» (حویزی، ۲۰۹ / ۵)

موضوع مورد بحث آیه، فراز «لَمْ نَك مِنَ الْمُصَلِّينَ» است. معنای ظاهری مصلین در این آیه «نمازگزاران» است. (ناصر مکارم شیرازی و همکاران، ۲۵ / ۲۵۳) برخی مفسران مراد از نماز را «نمازهای روزانه» (طبرسی، ۱۰ / ۵۹۱؛ طوسی، التبیان فی تفسیر القرآن، ۱۰ / ۱۸۶) و «عبادت

۱۷. مدثر / ۴۳، ۴۲: «که چه چیز شما را به جهنم کشانید؟ می‌گویند: ما از نمازگزاران نبودیم.»
 ۱۸. واقعه / ۱۱، ۱۰: «آن‌ها که سبقت جسته بودند و اینک پیش افتاده‌اند. اینان مقرَّباند.»

خاص» (طباطبایی، ۹۷/۲۰) دانسته و برخی دیگر فراز «لَمْ نَكْ مِنَ الْمُصَلِّينَ» را کنایه از «عدم ایمان» دانسته‌اند. (ابن عاشور، التحرير و التنوير، ۲۹/۳۰۴؛ خطیب، التفسیر القرآنی للقرآن، ۱۵/۱۳۰۴) اما امام صادق (ع) با بهره‌گیری از آیه «وَالسَّابِقُونَ السَّابِقُونَ»، فراز «لَمْ نَكْ مِنَ الْمُصَلِّينَ» را به معنای «ما از پیروان پیش‌افتادگان نبودیم» دانسته‌اند. (همچنین رک: حویزی، ۴۵۸/۵، ح ۲۵) در این صورت «السابقون» به معنای کسانی است که در مسابقه پیروز شده و غلبه پیدا کرده‌اند - و پیروان نیز در رتبه‌ی بعدی‌اند - اما سایرین مغلوب شده و شکست خورده‌اند. (رک: ابن عاشور، ۲۷/۲۶۵) در برخی تفاسیر فریقین از علی (ع) بعنوان پیش‌رو و پیروز امت پیامبر یاد شده است. (رک: طبرسی، ۹/۳۲۵؛ سیوطی، ۶/۱۵۴) امام صادق (ع) نیز مصادیق دیگر «السابقون» را ائمه دانسته و ادعای خویش را چنین تبیین نموده‌اند؛ مردم گروهی را که در مسابقه، در پی نفر اول و پایه‌پای او می‌آید مصلی می‌نامند. امام این مطالب را با استفاده از اطلاعات زبان‌شناختی خویش ارائه می‌نماید و از این طریق، روشن می‌سازد که برای تعبیر «مصلین» معنای دیگری غیر از معنای ظاهری می‌توان در نظر گرفت. بنابراین درتفسیر قرآن با قرآن آگاهی‌های گسترده‌ای از سوی خواننده لازم است.

تفسیر تاریخی

یکی از اطلاعاتی که در تفسیر قرآن کارآمد است، اطلاعات تاریخی است. این اطلاعات حاوی ویژگی‌ها و عوامل محیطی است که برغم تاثیر در پدیداری متن قرآن، اغلب در سطح ظاهری آیات حضور ندارند و این در حالی است که تفسیر اصیل و جامع، بدون توجه به آن‌ها نادرست و گاه غیر ممکن است. (راد، ۳۵) این اطلاعات می‌تواند در رابطه با موضوعاتی چون قصص اقوام قبل از اسلام، ادیان پیشین، تاریخ عرب جاهلی، تاریخ صدر اسلام و شأن نزول‌ها باشد. (رضایی اصفهانی، ۸۳ - ۸۰) «در واقع خداوند در عین اینکه قرآن را متناسب با شرایط تاریخی و اجتماعی نازل کرده است، مضمون آن را به گونه‌ای ترتیب داده که کمترین ارتباط را با این شرایط داشته و بتواند مناسب همه‌ی بشریت و همه‌ی زمان‌ها و مکان‌ها باشد.» (قائم‌نیا، بیولوژی نص، ۱۵۸ - ۱۶۰) بنابراین جهت دسترسی به اینگونه اطلاعات تاریخی مراجعه به منابعی که فضای نزول، ملامت‌ها، فرهنگی، تاریخی و شرایط محیطی نزول متن قرآن را روشن نماید مفید و لازم است. (راد، ۳۶) در برخی روایات اهل بیت در راستای تفهیم آیه‌ای از قرآن کریم به آیه‌ی دیگری اشاره شده است که به جنبه‌های تاریخی - نزولی آیه‌ی

مفسر می‌پردازد. در مواردی نیز امام ضمن توجه دادن به این اطلاعات، زمینه‌ی تعامل تفسیری آیات و رفع ابهام و فهم مراد آن‌ها را فراهم ساخته است. اطلاعات تاریخی - نزولی در این روایات عبارت‌اند از اطلاع از ترتیب نزول و آگاهی از داده‌های تاریخی مرتبط با آیه شامل ملازمات فرهنگی، سیاسی، مخاطبی، نگرشی و انحصاری متن آیه. دستیابی به اطلاعات تاریخی - نزولی از طریق آگاهی از شبکه ارتباطی آیات و اطلاعات دایرة المعارفی مفسر امکان‌پذیر است.

امام باقر (ع):

درباره فرمایش خداوند عزوجل «أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ يَزْكُونَ أَنْفُسَهُمْ»^{۱۹} فرمود: درباره‌ی یهود و نصاری نازل شده است هنگامی که گفتند: نَحْنُ أَبْنَاءُ اللَّهِ وَأَحِبَّاؤُهُ^{۲۰} وَقَالُوا لَنْ يَدْخُلَ الْجَنَّةَ إِلَّا مَنْ كَانَ هُودًا أَوْ نَصَارَى^{۲۱} (حویزی، ۱/ ۴۹۰)

در این روایت، امام باقر (ع) در صدد تبیین آیه «أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ يَزْكُونَ أَنْفُسَهُمْ» است. در این آیه سخن از کسانی است که به گزاف، خود را منزّه شمرده و می‌ستایند. البته مرجع و مصداق تاریخی «الذین» و نیز کیفیت خودستایی آن‌ها - که زمینه نزول آیه‌ای از جانب خداوند را فراهم آورده - روشن نیست. امام باقر با استناد به آیاتی زمینه تاریخی - نزولی این آیه را مشخص می‌نماید. آیات ارائه شده برخی از عقاید و صفات این گروه را بیان می‌کند: «بهشت از آن یهود و نصاری است» «یهودیان فرزندان و دوستان خداوند».

امام باقر (ع) با ارائه این آیات، ضمن آشکار نمودن نظم تنزیلی آیات مذکور، بیان می‌دارند خودستایی‌های یهود (رک: واحدی نیشابوری، ۱۵۹ - ۱۶۰) زمینه‌ی نزول این آیه را فراهم نموده است. از این رو کیفیت و عاملان این خودستایی که در آیه مذکور مجمل بود روشن شده و در نتیجه‌ی عملکرد تفسیری امام باقر (ع) یهود، خودستایی آن‌ها و صفات و عقاید ایشان - که در تقابل با پیامبر بوده و به نوعی خصم ایشان بحساب می‌آیند - بعنوان ملازمات مخاطبی، فرهنگی و سیاسی آیه نمایان می‌گردد.

توجه به مولفه‌های معنایی^{۲۲}

از نتایج بحث عموم و اطلاق که در دانش اصول فقه مطرح می‌شود، مشخص شدن

۱۹. نساء/ ۴۹: «أَيَا أَنَانَ رَأَيْتُمْ لَمْ يَكُنْ يَزْكُونَ أَنْفُسَهُمْ؟»

۲۰. مائده/ ۱۸: «مَا فَرَزْنَا مِنْكُمْ آلَ اللَّهِ مُبْتَلَيْنَ لَعَلَّ نُنَاجِيَهُمْ»

۲۱. بقره/ ۱۱۱: «وَأَنَّهُمْ كَفَرُوا بِآيَاتِنَا فَجَعَلْنَا قُلُوبَهُمْ قَاسٍ يَغْفِلُونَ»

گستره، شمول و فراگیری لفظ است. (رک. نکونام، ۳۰۷) با آن‌که بحث عموم و اطلاق بطور گسترده در دانش اصول مطرح شده، اما بررسی فرآیند تخصیص و تقیید از زوایای دیگری همچون تحلیل مولفه‌های معنایی واژه نیز درخور توجه و امکان‌پذیر است؛ این مولفه‌ها که همان اجزای معناساز یک واژه‌اند، ویژگی‌های ممیز واژه را از طریق ایجابی و سلبی نشان می‌دهند و روابط مفهومی را در سطح واژه تبیین می‌کنند. (رک: صفوی، ۲۷۸ - ۲۸۹ و ۳۱۲ - ۳۱۳؛ پالمر، ۱۴۷ - ۱۵۶) افزایش یا کاهش این مولفه‌ها، تغییر در گستره‌ی معنایی واژه را پی دارد بگونه‌ای که هر چه مؤلفه‌های معنایی در یک واژه افزایش یابد، گستره‌ی معنایی آن کاهش یافته و از افراد آن کم می‌شود (مختار عمر، ۱۹۷) و عکس آن نیز صادق است. بنابراین دریافتی جامع از مولفه‌های معنایی واژه که در برخی موارد با کاربرد قید یا خاص امکان‌پذیر است موجب می‌شود مخاطب در گستره و فراگیری واژه‌ی مورد نظر تجدید نظر نموده و دریابد از فراگیری و گستره‌ی واژه‌ای که پیش از تقیید یا تخصیص، فراگیر می‌نمود کاسته شده است و در نتیجه افراد کمتری را در بر می‌گیرد. این فرآیند در برخی روایات اهل بیت نیز انعکاس یافته است؛

امام صادق (ع) فرمود:

«بی‌تردید هر کس پیرو خواهش‌های نفسانی یا شیفته‌ی اندیشه‌ی خود گردد، مانند همان شخصی است که شنیده بودم مردم ساده لوح او را بسیار می‌ستودند. او را دیدم به نانوایی رسید در آنجا توقف کرد، به محض اینکه نانوا به کاری مشغول شد دو نان دزدید و به راه افتاد. سپس به شخصی رسید که انار داشت، او را هم غافلگیر کرده و دو عدد انار برداشت ... [امام می‌فرماید] به او گفتم: تو به نانوایی که رسیدی، دو نان دزدیدی! و از انار فروشی که گذر کردی، دو انار به سرقت بردی! در پاسخ به من گفت: ... خداوند فرموده: مَنْ جَاءَ بِالْحَسَنَةِ فَلَهُ عَشْرُ امْتَالِهَا وَمَنْ جَاءَ بِالسَّيِّئَةِ فَلَا يَجْزِي إِلَّا مِثْلُهَا^{۲۳} دزدیدن دو انار و دو نان، چهار گناه به حساب آید و در برابر صدقه دادن هر یک از آن‌ها چهل ثواب خواهم داشت. از چهل حسنه، چهار گناه کم می‌شود و سی و شش حسنه می‌ماند. گفتم: مادرت به عزایت بنشیند، تو کتاب خدا را نفهمیده‌ای، مگر نشنیده‌ای که خداوند متعال می‌فرماید: إِنَّمَا يَتَقَبَّلُ اللَّهُ مِنَ الْمُتَّقِينَ^{۲۴} ...» (حویزی، ۱ / ۶۱۶ - ۶۱۵)

۲۳. انعام / ۱۶۰: «هر کس کار نیکی انجام دهد ده برابر به او پاداش دهند، و هر که کار بدی انجام دهد تنها همانند آن کیفر بیند، تا ستمی بر آن‌ها نرفته باشد»

۲۴. مائده / ۲۷: «خدا، تنها از پرهیزگاران می‌پذیرد».

آیه «مَنْ جَاءَ بِالْحَسَنَةِ فَلَهُ عَشْرُ أَمْثَالِهَا» از حیث احوال و ویژگی‌های فرد محسن، مطلق می‌نماید، اما امام با ذکر آیه «إِنَّمَا يَتَقَبَّلُ اللَّهُ مِنَ الْمُتَّقِينَ» بیان می‌دارد که فرد محسن می‌بایست متقی هم باشد تا مشمول پاداش الهی گردد. در این آیه خداوند یکی از مولفه‌ها و ویژگی‌هایی که در انجام حسنات باید رعایت شود را ذکر می‌کند تا روشن شود دستیابی به خیرات و حسنات، از هر طریق ممکن، مطلوب او نیست، بلکه حسنه‌ای مطلوب اوست که ویژگی و مؤلفه تقوا را مراعات و لحاظ کرده باشد (رک: سبزواری، ۱۱/۱۶۹). امام با یادکرد این آیه، مخاطب را از وجود مولفه تقوا در حسنه آگاه نموده و شمول و فراگیری حسنه را تنها به حسنات تقوا مدارانه تقلیل می‌دهد. بدینگونه اهل بیت با نگاه جامع به قرآن، مردم را با نظام معنایی قرآن آشنا می‌نمودند.

نتیجه‌گیری

- در روایات حکایتگر تفسیر قرآن با قرآن برخی روش‌هایی که اهل بیت بر اساس آن‌ها به تفسیر آیات قرآنی پرداخته‌اند به شرح زیر است:
۱. از توجه به روابط هم‌نشینی، حوزه‌ی معنایی واژگان نمایان گشته و ارزیابی معنایی و مصداقی واژه با خطاپذیری کمتری محقق می‌گردد.
 ۲. از توجه به آیات نظیر در مواردی تایید یا نفی عملیات تفسیری مفسر توسط دیگر اجزاء متن امکان‌پذیر خواهد بود.
 ۳. برخی آیات ضمن تخصیص عام یا تقييد مطلق، گستره معنایی واژه را تعیین یا روشن می‌نمایند، این امر بر اساس کاهش یا افزایش مولفه‌های معنایی واژه انجام می‌شود.
 ۴. جهت دریافت معنای واژگان و عباراتی که به نوعی غیر عادی جلوه می‌نماید، انتخاب فرضیه‌های متناسب از سایر آیات و تشکیل قیاس فرضی، کارآمد است.
 ۵. در موارد قابل توجهی نیز گستردگی و تنوع اطلاعات زبانی، علمی و ... مفسر، زمینه‌ساز تعامل تفسیری آیات با یکدیگر شده و در مواردی دلالت‌های حداکثری آیات را نمایان می‌سازد.
 ۶. در تفسیر تاریخی نیز ارائه برخی اطلاعات تاریخی - نزولی آیات، زمینه‌ساز تعامل تفسیری آیات را فراهم می‌سازد.
 ۷. در تفسیر بینامتنی، روایات تفسیری با آشکار نمودن قابلیت‌های نهان متن، امکان تعامل

تفسیری میان آیات را فراهم ساخته و روند تفسیر کامل می‌گردد.

منابع

- ابن منظور، محمد بن مکرم، *لسان العرب*، بیروت، دار صادر، چاپ سوم، ۱۴۱۴ ق.
- آلوسی، محمود بن عبدالله، *روح المعانی فی تفسیر القرآن*، تحقیق علی عبدالباری عطیه، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۵ ق.
- پالمر، فرانک، *نگاهی تازه به معناشناسی*، ترجمه کورش صفوی، تهران، مرکز کتاب ماد، چاپ پنجم، ۱۳۷۴.
- چندلر، دانیل، *مبانی نشانه‌شناسی*، ترجمه مهدی پارسا، تهران، سوره مهر، ۱۳۸۷.
- حویزی، عبد علی بن جمعه، *نور الثقلین*، قم، اسماعیلیان، چاپ چهارم، ۱۴۱۵ ق.
- خلیل بن احمد، *کتاب العین*، قم، هجرت، چاپ دوم، ۱۴۱۰ ق.
- راد، علی، *مبانی کلامی امامیه در تفسیر قرآن*، تهران، سخن، ۱۳۹۰.
- راغب اصفهانی حسین بن محمد، *مفردات فی غریب القرآن*، تحقیق صفوان عدنان داودی، دمشق، بیروت، دارالعلم دارالشامیه، ۱۴۱۲ ق.
- رضایی اصفهانی، محمد علی، *منطق تفسیر ۱*، قم، جامعه المصطفی العالمیه، ۱۳۸۷.
- سبزواری، عبدالاعلی، *مواهب الرحمن فی تفسیر القرآن*، بیروت، مؤسسه اهل بیت، چاپ دوم، ۱۴۰۹ ق.
- سیدی، حسین، *تغییر معنایی در قرآن*، تهران، سخن، ۱۳۹۰.
- سیوطی، عبدالرحمن بن ابی‌بکر، *درالمنثور فی تفسیر المأثور*، قم، کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، ۱۴۰۴ ق.
- صادقی تهرانی، محمد، *الفرقان فی تفسیر القرآن بالقرآن*، قم، انتشارات فرهنگ اسلامی، چاپ دوم، ۱۳۶۵.
- صفوی، کورش، *درآمدی بر معناشناسی*، تهران، سوره مهر، چاپ چهارم، ۱۳۹۰.
- طباطبایی، محمد حسین، *المیزان فی تفسیر القرآن*، قم، انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ پنجم، ۱۴۱۷ ق.
- طبرسی، فضل بن حسن، *جوامع الجامع*، تهران، انتشارات دانشگاه تهران و مدیریت حوزه علمیه قم، ۱۳۷۷.
- عیاشی، محمد بن مسعود، *کتاب التفسیر*، تحقیق سید هاشم رسولی محلاتی، تهران، چاپخانه علمیه، ۱۳۸۰ ق.

- فیض کاشانی، محمد بن شاه مرتضی، *اصول المعارف*، قم، دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه، ۱۳۷۵.
- قائمی نیا، علیرضا، *بیولوژی نص*، تهران، انتشارات فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۸۹.
- _____، *معناشناسی شناختی قرآن*، تهران، انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه، ۱۳۹۰.
- مختار، عمر احمد، *معناشناسی*، ترجمه حسین سیدی، مشهد، دانشگاه فردوسی، ۱۳۸۵.
- مشکاة الدینی، محمد مهدی، *سیر زبان شناسی*، مشهد، دانشگاه فردوسی، ۱۳۷۶.
- مصطفوی، حسن، *التحقیق فی کلمات القرآن*، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۶۰.
- معرفت، محمد هادی، *التمهید فی علوم القرآن*، قم، مؤسسه فرهنگی تمهید، ۱۳۸۶.
- مکارم شیرازی، ناصر و همکاران، *تفسیر نمونه*، تهران، دارالکتب الإسلامية، ۱۳۷۴.
- نکونام، جعفر، *درآمدی بر معناشناسی قرآن*، قم، دانشکده اصول الدین، ۱۳۹۰.
- واحدی، علی بن احمد، *اسباب نزول القرآن*، بیروت، دار الکتب العلمیة، ۱۴۱۱ ق.
- یول، جرج، *کاربردشناسی زبان*، ترجمه محمد عموزاده و منوچهر توانگر، تهران، سمت، ۱۳۸۵.